

حجاب، گوهر صدف عفاف

بشر با توجه به اهمیتی که برای سلامتی خود قائل است باید برای سلامتی جامعه هم، ارزش قائل باشد و بیماری جامعه را بیماری خود بداند...



بشر با توجه به اهمیتی که برای سلامتی خود قائل است باید برای سلامتی جامعه هم، ارزش قائل باشد و بیماری جامعه را بیماری خود بداند.

چنانچه تلاش می‌کند در جهت حفظ و تامین سلامتی خود از واکسن‌های پیشگیری و داروهای گوناگون استفاده کند، در سلامتی جامعه هم باید نهایت سعی و کوشش فراوان خود را به کار گیرد و جامعه را از مبتلا شدن به بیماری‌های اخلاقی و روانی پرهیز دهد تا دیگر افراد جامعه به رشد و تعالی و سعادت برسند و با این سلامتی و سعادت، زندگی آرامی داشته باشند. یکی از مسائلی که سلامتی فرد و جامعه را تهدید می‌کند مساله بدحجابی است. پوشش نامناسب پیامدها و آثار جبران‌ناپذیری بر فرهنگ، اخلاق، اعتقاد، اقتصاد، امنیت و... وارد می‌سازد که گاه مسیر انحرافی در جامعه ایجاد می‌کند که دیگر جای بازگشت نیست. نگارنده درصدد است آثار و پیامدهای گسترش بدحجابی را از دو منظر فرهنگی و اجتماعی، مورد بررسی قرار دهد.

فرهنگ هر جامعه‌ای از جنبه‌های گوناگونی تشکیل شده است. یکی از جنبه‌های بسیار موثر، جنبه‌های هنجاری فرهنگ آن جامعه است که از ارزش‌ها و قواعد خاص رفتاری تشکیل شده و نشان می‌دهد که چه چیزی ارزش و ضد ارزش است.

مثلاً شیوه‌های پوشش، برگرفته از فرهنگ آن جامعه است. جامعه‌ای که بدحجابی را بد تلقی می‌کند و یک هنجار و بزه اجتماعی به حساب می‌آورد، حجاب و پوشش را ارزش می‌داند و قضاوت اخلاقی خوبی درباره حجاب دارد. قبل از هر چیز ما باید تعریفی درباره فرهنگ ارائه کنیم تا آثار و پیامدهای گسترش فرهنگ بدحجابی را بیان کنیم. معروف‌ترین تعریفی که از فرهنگ شده است تعریف انسان‌شناس معروف انگلیسی [#171;تایلور](#) است. او می‌گوید: فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که دانش، معتقدات، هنر، اخلاقیات، قانون، رسم و هر استعداد و عادت دیگری را که بشر به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند، شامل می‌گردد. کلارک و سیلر می‌گویند: تمامی مظاهر و شئون زندگی یک ملت را فرهنگ آن ملت تشکیل می‌دهد. بنابراین ارزش‌های فرهنگی هسته اصلی حیات اجتماعی را به وجود می‌آورد و از این نظر اهمیت فراوانی دارد.

وازدگی در برابر فرهنگ بیگانه

داد و ستد فرهنگی امری است مفید بلکه برای هر جامعه‌ای لازم و ضروری به نظر می‌رسد و تجربه نشان داده است که یکی از عوامل بالندگی و پویایی جوامع تعامل متقابل فرهنگی یا تبادل فرهنگی است. به فرموده حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: [#171;](#) در تبادل فرهنگی هدف بارور کردن فرهنگ ملی است، ولی در تهاجم فرهنگی هدف ریشه‌کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است. [#171;](#) اما در دنیای کنونی فرهنگی که قادر نباشد عناصر فرهنگی مفید را جذب و عناصر غیرمفید را دفع کند و در الگوهای مختلف اجتماعی از ثبات لازم برخوردار نباشد فرهنگ مهاجم با الگودهی، فرهنگ مقابل را تخریب می‌کند.

گسترش روحیه غرب‌گرایی

هر جامعه‌ای در پی آن است که به ارزش‌های خود پایبند و جامعه خود را از فرهنگ‌های بیگانه مصون نگه دارد تا افراد جامعه از سلامت و ثبات لازم برخوردار باشند. چنین جامعه‌ای سریع‌تر می‌تواند به اهداف خود برسد و آرمان‌های خود را عملی سازد بنابراین استعمارگران در جایی که ببینند جامعه‌ای مطابق با اهداف آن و خواسته‌های آنها پیش نمی‌رود و در مسیری غیر از مسیری که آنان می‌خواهند گام می‌نهد برای رسیدن به منافع خود و چپاول ذخیره‌های ارزی ملتی نقشه‌ها و طرح‌هایی را غیرمستقیم طراحی و افراد جامعه را مشغول و سرگرم می‌کنند تا به اهداف شوم خود برسند. از جمله طرح‌های استعمارگران طرح بدحجابی و بی‌حجابی است که در سایه آن می‌توانند به خواسته‌های خود برسند. در طرح استعماری انگلستان به ماموران خود چنین آمده است: [#171;](#) باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی‌عباس متداول شده و مطلقاً سنت نیست. مردان همسران پیامبران را بدون حجاب می‌دیدند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی دوش به دوش مردان فعالیت داشته‌اند. پس از آن که حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت وظیفه ماموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند. [#171;](#)

زدودن ارزش‌ها

در جامعه‌ای که حجاب و متانت و عفت و حیا به عنوان یک ارزش تلقی شده است و زن با رفتار خود پایه‌های این ارزش را از رفتار و کردار خود به بینش و باور خود سرایت داده و ارزش‌گذاری می‌کند نه تنها همجنسان خود را بلکه دیگران را نیز به ارزش‌های یک جامعه توجه می‌دهد و جامعه را به سلامت و ارزش‌های واقعی سوق می‌دهد، اما اگر زن در جامعه روش‌ها و منش‌های خود را تغییر دهد و به خودنمایی و آرایش‌های ظاهری بپردازد و حجاب را آن‌گونه که شایسته است رعایت نکند ارزش‌هایی چون حجاب و عفاف و حیا و وقار را خدشه‌دار کرده خود و اجتماع را به تباهی و فساد و بالاخره ضد ارزش‌ها و از بین بردن ارزش‌ها می‌کشاند. وقتی جامعه‌ای

ارزش‌ها را به گونه‌ای دیگر ارائه داد تمامی افراد جامعه به فساد کشانده خواهند شد. زمانی این سؤال مطرح بود که در روایات ما آمده در آخرالزمان زنان پوشیده ولی برهنه‌اند. این پارادوکس را چگونه می‌شود حل کرد که هم پوشیده باشند و هم برهنه. در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) در وسایل الشیعه آمده است:

و در آخرالزمان که بدترین زمان هاست زناهی هستند که پوشیده، اما برهنه‌اند و از خانه با خودآرایی بیرون می‌آیند. اینان از دین بیرون رفته‌اند و در فتنه‌ها وارد شده‌اند و به شهوات تمایل پیدا کرده‌اند و به کوی لذات نفسانی در شتابند و حرام‌ها را حلال می‌دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتارند.

بنابر این به این سوال پاسخ داده شده است که چگونه می‌شود پوشیده باشند و نیز برهنه یا گفته شود پوشش دارند ولی بدحجاب یا بی‌حجابند.

تضعیف باورها و اعتقادات دینی در جامعه

جامعه‌ای که در سطح بالایی از باورها و اعتقادات دینی باشد از ایمان کاملی برخوردار است و در سایه ایمان، آن جامعه نسبت به بسیاری از آسیب‌ها مصون است و دشمنان نمی‌توانند در صفوف آنها رخنه کرده و نقشه‌های آنان نقش بر آب می‌شود. جامعه‌ای که دل به خدا سپرده و سرانجام زندگی را رسیدن به خالق خود می‌داند حاضر نیست دل به دیگری سپارد و عقاید خود را متزلزل کند. زنان نیز در چنین جامعه‌ای زمانی که از اعتقادات عمیق و باورهای استوار برخوردار باشند حاضر نمی‌شوند برای چند روزه دنیا خود را مزین به زینت‌های زودگذر و دنیایی کنند و در پرتو آن عقاید دیگران را متزلزل و خود نیز زمینه‌ساز فساد در جامعه شوند؛ زیرا با بدحجابی چشم‌های هوس‌آلود را متوجه خود می‌سازند و پایه‌های ایمانی مردم را سست و جامعه به فساد کشیده می‌شود.

ایجاد ناامنی و سلب آرامش

امنیت ره‌آوردی است که در سایه سلامت یک جامعه به جامعه اهدا می‌شود و جامعه‌ای پویا خواهد بود که افراد آن در تمامی ابعاد از امنیت لازم برخوردار باشند. بخش قابل توجهی از امنیت به عهده زنان است؛ زیرا با حفظ پوشش و رعایت حجاب و عفاف می‌توانند سلامتی جامعه را تضمین کنند. اگر این امر مهم در جامعه رعایت نشود نه تنها آرامش را از خود بلکه از افراد دیگر نیز سلب کرده و زندگی در چنین جامعه‌ای در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

بدحجابی و رعایت نکردن پوشش ابتدا فعالیت‌های خود فرد، سپس فعالیت‌های اجتماع را به سستی می‌کشاند و جامعه را از وظیفه‌ای که بر دوش افراد آن محول شده است باز می‌ستاند. اما اگر زن رعایت پوشش و حجاب کامل را داشته باشد در سایه آن می‌تواند وظیفه‌ای را که جامعه به او سپرده است به خوبی انجام دهد و بستر مناسبی برای فعالیت‌های افراد جامعه به وجود آورد. در جامعه‌ای که بدحجابی رواج پیدا کند چشم و هم‌چشمی‌ها و ارائه هرچه بهتر خود تمامی نخواهد داشت و زنان آن سعی می‌کنند به گونه‌های زیبایی‌تری خود را ارائه دهند تا چشمان بیشتری را متوجه خود سازند و در معرض دیدگان همگان قرار گیرند و این امر تمامی نخواهد داشت تا جایی که تمام افراد جامعه را آلوده سازد و در سایه این آلوده‌سازی است که ناامنی نه‌تنها دامان خود بدحجاب را می‌گیرد بلکه خیلی سریع اجتماع را به ناامنی سوق می‌دهد و جامعه را از فعالیت‌های سالم باز می‌دارد. آرامش و امنیت والاترین نعمتی است که خداوند به جامعه‌ای عنایت می‌فرماید و می‌توان گفت اگر جامعه‌ای آرامش و امنیت نداشته باشد به یک معنی هیچ چیز ندارد و اگر امنیت داشته باشد همه چیز دارد. در سایه امنیت است که سلامت جسمی و روحی روانی جامعه حفظ می‌شود و در سایه امنیت است که خلاقیت و نوآوری در جامعه بروز می‌کند.

هویت‌زدایی

آری آنان که با بدحجابی هویت خود را از دست می‌دهند و شخصیت خود را آماج حملات هوس‌بازان قرار می‌دهند ضربه محکمی بر پیکر جامعه وارد می‌سازند و شهوت‌پرستی و مظاهر فسق و بی‌عفتی را در جامعه رواج می‌دهند و نابخردانه جامعه را از فعالیت‌های سالم باز می‌ستانند و در نتیجه چنین جامعه‌ای نمی‌تواند قانون خدا و عقل را حکم کند و خلاصه جامعه را به سوی دین‌گریزی سوق می‌دهد.

تزلزل نهاد خانواده

پیوند زناشویی و تشکیل نهاد خانواده بسیار مقدس است. برای ثبات و پایداری این نهاد مهم‌ترین عامل عفت و حجاب خانوادگی است. اگر زنان جامعه عفت را رعایت نکنند و لذت‌های جنسی و خودنمایی‌ها را به بیرون منزل بکشانند چنین زنانه ناخواسته عامل پاشیدگی و تیرگی روابط کانون خانواده خواهند شد. در محکمه‌های قضایی وقتی اختلافات زن و شوهر را ریشه‌یابی می‌کنیم می‌شود گفت بسیاری از ناسازگاری‌ها به خاطر رعایت نکردن حفظ حجاب است، آن گاه که زن با آرایش و بدحجابی در جامعه ظاهر می‌شود چشم‌ها او را نشانه می‌روند و او هم کم‌کم از نگاه‌های شوهرش لذت نمی‌برد و از او سرد می‌شود و سرانجام باعث جدایی می‌گردد. گاهی همین امر از طرف شوهر صورت می‌گیرد. بر اثر چشم‌چرانی و نگاه‌های هوس‌آلود به دختران و زنان بدحجاب نسبت به همسرش دل‌سرد شده لذت‌ها و محبت‌هایش در بیرون از خانه صرف می‌شود و اینجاست که مبنای ناسازگاری با همسرش شروع می‌شود و تیرگی بر کانون خانواده سایه می‌افکند. بنابراین برای حفظ نظام خانواده و به وجود آوردن محیطی سالم و فرزندان پاک ضروری است حجاب رعایت شود. بدیهی است اگر خانواده سالم باشد و پوشش را رعایت کند جامعه که از اجتماع خانواده‌ها تشکیل شده، سالم و پایدار خواهد ماند. در جامعه‌ای که بیشتر اعضای آن را جوانان تشکیل می‌دهند باید نسبت به این فرآیند حساس‌تر

باشند؛ زیرا جوانان در برابر مناظر شهوت‌انگیز و تهییج‌کننده زودتر تحریک می‌شوند و چنین مناظری عامل مهمی در سوق دادن جوانان به فساد خواهد شد. در نتیجه نیروی فعال اجتماع یعنی جوان در راه‌های فساد و تباهی کشانده می‌شوند و به جامعه ضربه سختی از جهات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی وارد خواهد شد که جبران‌ناپذیر خواهد بود.

محمدحسین درافشان